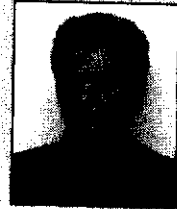


ژاپن اسلامی یا توسعه چینی؟!



هلی شیرازی نسب

انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی از بسیاری جهات با دوره‌های قبل متفاوت بود. شعارها و وعده‌های داده شده توسط گروه‌های مختلف، بیانگر نظرات و دیدگاههای افراد و گروههای حاضر در انتخابات در رابطه با چگونگی کشورداری و نحوه اداره مملکت بود. یکی از موارد مطرح شده که اظهارنظرهای متفاوتی را در پی داشت، سخنان حداد عادل رئیس فعلی مجلس است که اظهار داشته بود هدف جناح مطبوع او بهبود وضعیت معیشتی مردم، دوری از شعارهای تنش‌زا و رساندن کشور به مدینه فاضله‌ای، که از آن به عنوان ژاپن اسلامی یاد شد، می‌باشد.

حداد عادل این گونه عنوان می‌کند که می‌خواهیم با الگو قرار دادن ژاپن به عنوان کشوری توسعه یافته که از لحاظ اقتصادی و سیاسی دارای ثبات قابل توجهی در سطح جهان می‌باشد ایران را به ژاپن اسلامی تبدیل کنیم.

الگوی ژاپن اسلامی اظهارنظرهای متفاوتی را از سوی هم‌طیفان حداد عادل و اصلاح‌طلبان در برداشت و نکته جالب اینجاست که این قضیه از سوی اصلاح‌طلبان با استقبال گسترده مواجه شد در حالی که بزرگان جناح محافظه‌کار معتقد بودند یک نفر یک چیزی گفته و نایستی آن را جدی گرفت!! دوم خردادی‌ها از آنجا از این طرح استقبال کردند که معتقد بودند طرح‌های ارائه شده از سوی آبادگران بیش از آنکه الگوی ژاپنی را مدنظر داشته باشد به الگوی چینی متکی است و آنها می‌خواهند با دادن آزادی‌های اجتماعی بیشتر و بستن فضای سیاسی، دنباله‌روی الگوی توسعه چینی باشند و لذا اگر یکی از اعضای برجسته این ائتلاف یعنی حداد عادل دنبال پیاده کردن الگوی ژاپنی است، بایستی از آن استقبال کرد.

در این مقال سعی بر آن است تا با مطرح کردن نظرات افراد مختلف از هر دو جناح مطرح کشور به بررسی و جمع‌بندی شعارهای مطرح شده توسط محافظه‌کاران درباره نحوه رسیدن به این اهداف بپردازیم تا بلکه به این نتیجه دست یابیم که آیا هدف الگوی ژاپنی و رسیدن به ژاپن اسلامی است یا الگوی مدنظر جناح غالب مجلس هفتم توسعه چینی می‌باشد؟





گروهی که مدعی دانستن نیازهای مردم است را عاقبت طلبی در عرصه سیاست و فرار از پاسخگویی دانسته و معتقد است: عدم ارائه برنامه با هیچ منطقی سازگار نیست.

او با اشاره به سخنان یکی از رهبران آبادگران - حناد عادل - با اعلام استراتژی این گروه که ایران را به ژاپن اسلامی تبدیل خواهیم کرد، گفت: تنها نکته‌ای که باقی می‌ماند تاریخ رسیدن به ژاپن اسلامی است و ما نیز انتظار رسیدن به آن نقطه را می‌کشیم.

تاجرنیا همچنین گفت که رفتار انتخاباتی ما و پیروزی محافظه کاران در میدانی بی‌رقیب می‌رود تا آثار منفی خود را به تدریج نمایان سازد که واگرایی و باز شدن جبهه‌های جدید علیه ایران در حوزه حقوق بشر، فعالیت‌های هسته‌ای و همکاری‌های اقتصادی را می‌توان از جمله آثار یادشده ذکر کرد.

حمیدرضا جلالی‌پور عضو دفتر سیاسی جبهه مشارکت با اشاره به اینکه محافظه کاران با شعارهای اصلاح طلبان که شش سال پیش مطرح شده بود، وارد عرصه انتخابات شدند، گفت: اگر محافظه کاران بتوانند پروژه ژاپن اسلامی را پیاده کنند ما هم خوشحال خواهیم شد چون آن موقع همه می‌توانند تویوتا سوار شوند! او همچنین با اشاره به تعارضات درونی جناح راست رسیدن به ژاپن اسلامی را امری بعید دانست. در همین حال سینا احمدنوی یکی دیگر از اعضای جبهه مشارکت نیز این گونه اظهار داشت که محافظه کاران وقتی هدف شان چین و مخصوصاً بگیر و ببند چینی است به جهت از ژاپن اسلامی و این قبیل شعارها استفاده نکنند. آنها توان پاسخ به مطالبات انباشت شده مردم را ندارند.

او افزود: یکی از مشکلات اساسی اصلاح طلبان طی هفت سال اخیر، افزایش سطح مطالبات مردم از اصلاح طلبان و خاتمی بوده که برخی از آنها با عدم تحقق شان منجر به یاس و دلسردی مردم در مقاطعی خاص از این دوران شد. وی همچنین با اشاره به شعار پیشرفت شعار ما نیست بلکه برنامه است که توسط جناح مقابل عنوان شده بود گفت: اختلافاتی که در شورای شهر تهران بین دو طیف سنتی و نوگرای محافظه کاران پیش آمده و تشکیل فراکسیون "خدمتگزاران مستقل" از سوی طیف نوگرای نمایندگان مجلس هفتم و مواردی از این قبیل، نشان دهنده اختلافات آتی در بین محافظه کاران است و با وجود این اختلافات، برای رسیدن به ژاپن اسلامی موانع زیادی وجود دارد که بعید است جناح منتقد دولت بتواند از پس آن برآید.

حداد عادل خواستار تبدیل ایران به یک ژاپن اسلامی شد

خدمات دولتی و تقویت قدرت خرید مردم و در یک کلام، حل تمامی مشکلات اقتصادی جامعه چه برنامه‌هایی دارند.

تاجرنیا با اشاره به اینکه بارها گفته شده که مشارکت واقعی و گسترده مردم در انتخابات علاوه بر آنکه بیانگر احقاق حق مردم است هم انسجام و وحدت و امنیت جامعه را تقویت می‌کند و هم بسترهای اطمینان بخش برای پیشبرد امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را فراهم می‌سازد، این گونه ادامه می‌دهد که این مشارکت همچنین می‌تواند مولفه‌های سیاست خارجی را

مستحکم‌تر و قطعاً از تهدیدها و محدودیت‌ها علیه کشور بکاهد اما متأسفانه سخن حق شنیده نشد و به منافع و مصالح دراز مدت مملکت بی‌توجهی شد. او معتقد است که نحوه شکل‌گیری مجلس هفتم از حافظه تاریخی ملت پاک نخواهد شد و این انتخابات، عبرت‌ها و درس‌های درخور توجهی برای جامعه در حال گذار ایران به همراه خواهد داشت. وی بر این باور است که در انتخابات مجلس هفتم که بخش عمده‌ای از کرسی‌های آن بدون رقیب به کنترل محافظه کاران درآمد قواعد معمول مربوط به برگزاری انتخابات واقعی به فراموشی سپرده شد. در این انتخابات گروهی به پیروزی دست یافتند که نه شناسنامه‌ای از خود به افکار عمومی ارائه داده بودند و نه برنامه‌ای برای اداره رکن قانونگذاری کشور داشتند. در انتخابات مجالس گذشته احزاب و گروه‌های سیاسی قانونی با شناسنامه معتبر و قابل بررسی توسط مردم در مبارزات انتخاباتی حاضر می‌شدند.

وی درخصوص گروه پیروز انتخابات مجلس هفتم عنوان کرد که کسی نمی‌داند که این گروه مراحل قانونی را برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

و اقتصادی طی کرده است و یا خیر و مکان مشخصی دارد یا نه و آیا می‌تواند پاسخگوی مراجعان و پرسشگران باشد؟

تاجرنیا در ادامه اظهار داشت که شعار اصلی این گروه در انتخابات مجلس هفتم این بود که "پیشرفت نه تنها آرزوی ما که برنامه ماست" طبیعی است که هر ناظر بی‌طرف و حامی پیشرفت و توسعه کشور، علاقه‌مند باشد که بداند که این شعار با کدام برنامه‌ها تحقق خواهد یافت. این حق مردم است که بتوانند با علم به برنامه‌های گروهی که اکثریت بلامنافع کرسی‌های پارلمان را به دست آورده ملاک درستی برای قضاوت در مورد عملکرد مجلس هفتم داشته باشند.

نماینده مشهد در مجلس ششم گفت: اینجانب روزنامه‌های اصلی محافظه‌کاران را مرور کردم تا شاید اثری از برنامه‌های این گروه برای مجلس هفتم بیابم اما به جز اظهارات کلی و فاقد وجاهت، چیزی دستگیرم نشد. اینها کسانی بودند که ما نام و یا امضایی از ایشان زیر طرح و پیشنهاد قابل توجهی ندیدیم و حتی در همین حوزه‌ای که سنگ آن را به سینه می‌زنند یعنی حوزه اقتصادی هم پیشگام ارائه طرح و یا پیشنهادی نبوده‌اند. اینها مهم‌ترین مطالبات

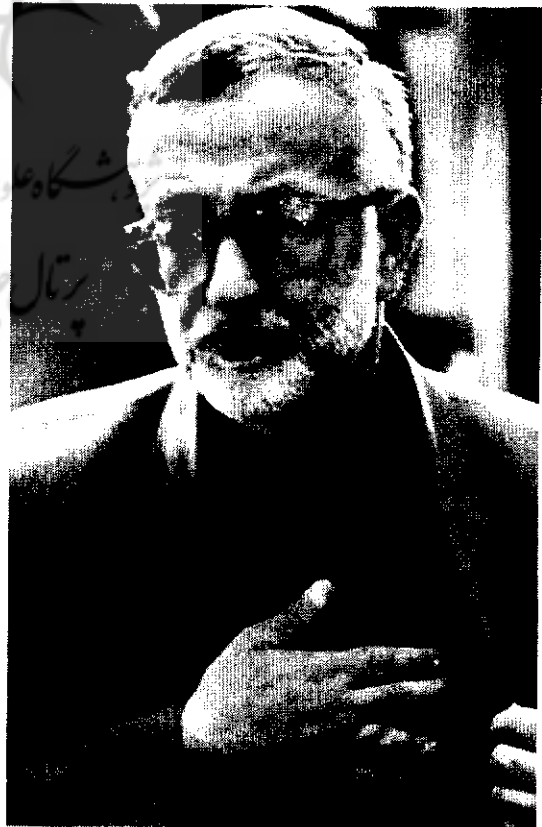
مردم را برای افزایش قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید مردم و وجود بیکاری ذکر کرده‌اند اما هیچ برنامه مشخصی برای پاسخگویی روشن به این مطالبات ارائه نداده‌اند.

اما "ژاپن اسلامی" در روزنامه‌های مختلف و به خصوص روزنامه‌های اصلاح طلب نیز انعکاس و اظهار نظرهای خاص خود را داشت. یکی از این روزنامه‌ها با یادآوری اینکه "ژاپن اسلامی" یک عبارت غیرقابل تفکیک است که نمونه آن قبلاً نیز وجود داشته است و لذا برای مردم کاملاً قابل درک است این گونه می‌نویسد که ژاپن کشوری است که از نظر

مرتضی نبوی: زیاد به شعار ژاپن اسلامی توجه نکنید

مردم به عنوان مظهري از پیشرفت صنعتی شناخته شده است و اگر ما هم قرار است شبیه ژاپن شویم قاعداً باید بعضی از روش‌های سیاسی و مدیریتی آن کشور را مورد مطالعه قرار دهیم، آنگاه قضاوت در این مورد که تا چه حد می‌توانیم به ژاپن اسلامی یا غیراسلامی. نزدیک شویم آسانتر خواهد بود.

این روزنامه ادامه می‌دهد: در ماه‌های گذشته نام ژاپن بیشتر از نام اکثر کشورها در مطبوعات و رسانه‌های داخلی ایران مطرح شد و علت طرح نام ژاپن نیز آن بوده که به رغم روابط نزدیک اقتصادی ایران و ژاپن، این کشور در هماهنگی کامل با آمریکا و کانادا، قطعنامه‌ای را علیه ایران تنظیم و به تصویب رساند به طوری که دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران از لزوم تنبیه ژاپن سخن گفت. هم‌زمان با این سخن، صفحات روزنامه‌ها مملو از اظهار نظر مقامات وزارت نفت در خصوص حوزه نفتی آزادگان بود که در نهایت علاقه برخی دست‌اندرکاران امور نفتی به اعطای امتیاز انحصاری به ژاپن در این پروژه را نشان می‌داد.



آیا واقعاً اگر ژاپن هم تا این حد دچار تشتت تصمیم‌گیری بود، دلیلی برای غبطه خوردن نسبت به آن کشور و آرزوی رسیدن به وضعیت ژاپن وجود داشت؟

این روزنامه یادآور می‌شود که ژاپن هم‌زمان با اعزام نیرو به عراق برای کمک به آمریکا، قرارداد نفتی آزادگان با ایران را نیز امضا کرد. یعنی آنگاه که مقامات ژاپن منفعت خود را به پذیرش فرماندهی آمریکا و اعزام نیروی نظامی به عراق می‌بینند از آن دریغ نمی‌کنند و البته هم‌زمان با کشوری که مورد غضب امریکاست نیز وارد مذاکره و معامله می‌شوند. آیا در کشور ما این حد از تسامح و یا به عبارت

بہتر فرصت‌جویی و فرصت‌سازی وجود دارد که بتوان ایران را به شرایط اقتصادی و صنعتی ژاپن نزدیک کرد؟ این روزنامه اصلاح طلب

همچنین معتقد است که ژاپن و هر

کشور دیگری که در ردیف کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته، بیش از هر چیز بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده اما در کشور ما وضعیت چگونه است؟ آیا مثلاً می‌توان روند بررسی صلاحیت کاندیدها را در جهت ایجاد فضای مساعد فعالیت برای همه نیروهای دلسوز کشور و در راستای بهره‌گیری حداکثری از پتانسیل‌های موجود ارزیابی کرد؟

یکی دیگر از روزنامه‌ها که به جناح کارگزاران سازندگی نزدیک است با عنوان نمودن شعار "پیشرفت نه تنها آرزوی ما که برنامه ماست" تصریح کرد که این جمله کوتاه، شعار تبلیغاتی ائتلاف آبادگران در انتخابات اسفند ماه گذشته بود. گروهی که در سال ۸۱ و به هنگام انتخابات شوراهای شهر و روستا ناگهان از داخل جلسات شورای هماهنگی نیروهای انقلاب به عرصه افکار عمومی آمد و با بهره‌گیری از غیبت هواداران اصلاحات در پای صندوق‌های رای به یک پیروزی غیرمترقبه دست یافت. پیروزی آبادگران در سال ۸۱ شوکی به فضای سیاسی کشور وارد کرد چرا که نتایج انتخابات شوراهای، حتی برای سازمان‌دهندگان این ائتلاف در شورای هماهنگی نیروهای انقلاب هم قابل پیش‌بینی نبود. سران این شورا بیش از آنکه این انتخابات را میدانی برای رقابت تلقی کنند، فرصتی برای آزمودن انسجام تشکیلاتی



میدان آمد. نکته جالب آنجا بود که این شعارها قبلاً در میان جناح اصولگرا جایی نداشت و این نکته را تداعی می‌کرد که محافظه‌کاران در نبود گروه‌های اصلاح‌طلب یا شعارهای آنها پیروز شدند. این نکته را می‌توان از یادداشت محمد علی ابیطحی معاون حقوقی رئیس جمهور دریافت.

ابطحی نوشته بود: «این مطلب که در این انتخابات شعار همه گروه‌ها، شعارهایی مدنی و اصلاح‌طلبانه بود نشان از نهادینه شدن اصلاحات در کشور داشت تا جایی که هیأت مؤتلفه در خیابانهای تهران شعار «آزاد، آباد، شاد» نوشته بود و دیگر شادی گناه محسوب نمی‌شد. مجموعه جناح‌هایی که در مقابل اصلاحات شناخته می‌شدند، عناوین احزاب و گروه‌های خود را کنار گذاشتند و زیر عنوان مدنی ائتلاف آبادگران در انتخاباتی شرکت کردند و بار دیگر نام پراعتلای ایران محور همه تبلیغات شد.

صدا و سیما در این تبلیغات بی‌سابقه حتی از پخش اشعاری همچون «یار دبستانی من» و گزارشی از اصل انتخابات با همان روایت و تصاویر سال ۵۷ فروگذار نکرد. کاندیدهای آنان صحبت از آزادی ماهواره راندند و در سیاست خارجی بر تنش‌زدایی و حتی به طور ضمنی از رابطه با آمریکا سخن گفتند و جوانان را به آزادی بیشتر وعده دادند ما باید از همه اینها استقبال کنیم».

این چهره سیاسی دوم خرداد یادداشت خود را این گونه ادامه می‌دهد که یکی از سران ائتلاف آبادگران چند روز قبل از انتخابات در مناظره‌ای در تلویزیون العربیه شرکت کرده بود و وقتی مجری برنامه از او به عنوان نماینده جناح محافظه‌کار یاد کرد، به شدت آن را تکذیب و اعلام کرد ما جزو جناح محافظه‌کار نیستیم ما برای آبادی ایران تلاش می‌کنیم. «بنابر تحلیل محمد علی ابیطحی، این رفتارها و این تبری جستن‌ها از محافظه‌کاران به معنای نهادینه شدن اصلاحات است و موفقیت اصلاحات که هیچ‌کس جز شعار اصلاح‌طلبی در این انتخابات سر نداد.

اما در میان شعارهای مطرح شده از سوی آبادگران، جمله‌ای که حداد عادل بیان کرد بیش از همه جلب توجه کرد. او گفت که آبادگران می‌خواهند ایران را به ژاپن اسلامی تبدیل کنند. اظهارات وی که از سوی یک روزنامه سوئیسی منتشر شده بود هر

چهره‌های شاخص این جناح تبدیل شد تا آنجا که حتی سران مؤتلفه نیز شعار تحول سر دادند. اوج این موضوع آنجا بود که عسگر اولادی دبیرکل سابق مؤتلفه و بادامچیان دبیر سیاسی این ارگان در لیست نهایی آبادگران در تهران جایی پیدا نمی‌کنند و علی‌اکبر ناطق نوری - که از وی به عنوان نفر اول

ابطحی معتقد است که محافظه‌کاران نیز به اصلاحات روی آورده‌اند

شورای هماهنگی نام برده می‌شود. به صراحت عنوان کرد که افرادی نظیر عسگر اولادی و بادامچیان «اصح نامقبول» هستند و از این رو ضرورت ایجاد می‌کرد که «صالحان مقبول» در فهرست نهایی انتخابات آبادگران جای گیرند البته این صالحان مقبول چهره‌های ناشناخته‌ای برای افکار عمومی بودند و به جز حداد عادل و احمد توکلی، مابقی نامی آشنا محسوب نمی‌شدند. ضمن آنکه حداد عادل و توکلی هم بیش از آنکه به عنوان سیاستمدارانی راستگرا شناخته شوند، یکی چهره‌ای فرهنگی و دیگری وجهه‌ای اقتصادی داشت و این مزیتی بود که آنان را در صدر فهرست آبادگران قرار داد. فهرستی که این بار با شعارهای آبادگری، پیشرفت، ژاپن اسلامی و شعارهای فرهنگی، اجتماعی «آزادی و شادی» به

جبهه راست قرار دادند و در واقع شکل‌گیری شورای هماهنگی نیروهای انقلاب به شکست جریان راست در انتخابات مجلس ششم باز می‌گشت یعنی زمانی که جبهه پیروان خط امام و رهبری (ائتلاف انتخاباتی محافظه‌کاران) بیش از ۲۰۰ کرسی را به رقبای اصلاح‌طلب خود واگذاشت در آن زمان سران و نظریه‌پردازان جریان راست یکی از دلایل این شکست را در ضعف سازماندهی نیروهای خود عنوان کردند.

در کنار این مهم، منتقدان داخلی

جریان راست به نبود چهره‌ها، شعارها و رفتارهای نو در ویتترین این جناح سیاسی اشاره می‌کردند. ویتترین که به اعتراف بسیاری از فعالان محافظه‌کار در مقابل چهره‌های نوظهور مورد اقبال جناح اصلاح‌طلب، متاعی عرضه‌کردنی نداشتند. چنین شد که نوسازی جریان راست به عبارتی آشنا در میان گفتارها و نوشتارهای نظریه‌پردازان این جناح تبدیل شد و حتی در میان نظریات برخی از نویسندگان جناح راست، گاه‌اوقات انتقادهایی صریح از چهره‌ها و تشکل‌های با سابقه راست سنتی نیز به چشم می‌آمد. انتقادهایی که با هشدار نسبت به خودداری جریان راست از تحول توأم بود.

رویکرد نوسازی جریان که به تعبیر دقیق‌تر «نومایی» است به تدریج به واژگانی مشترک در گفتار



چند یا استقبال رسانه‌ای مواجه شد و روزنامه‌ها و سایت‌های خبری به انعکاس آن پرداختند اما در سطح سیاسی و در نزد تحلیلگران، چندان جدی گرفته نشد. این در حالی بود که فعالان سیاسی جریانهای اصلاح طلب و اپوزیسیون در سال‌های اخیر نسبت به طرح الگوی "اصلاحات چینی" از سوی محافظه‌کاران حساسیت زیادی نشان داده و نقدهای آمیخته به هشدار در این زمینه منتشر کرده بودند. نقدهایی که در آن اجرای الگوی توسعه چین در ایران به دلایل فرهنگی، اجتماعی و تاریخی غیرممکن تلقی نمی‌شد. با این حال فعالان جریان‌های اصلاح طلب همواره نگران آن بوده‌اند که طرح ایده الگوی چینی از سوی محافظه‌کاران با هدف پیگیری توسعه‌های آمرانه در ایران صورت بگیرد. ایده‌ای که در آن بستن فضای سیاسی و برخورد با منتقدان و مخالفان با پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی توجیه می‌شود و در کنار آن آزادی‌های اجتماعی و تا حدودی فرهنگی داده می‌شود تا اعتراضات به سیستم سیاسی از محدوده نخبگان و فعالان اپوزیسیون فراتر نرود. پس از انتخابات مجلس هفتم برخی چهره‌های شاخص اصلاح طلب در این زمینه هشدارهایی دادند. محسن آرمین نماینده مستعفی مجلس ششم و عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از جمله آنهاست. وی با اشاره به برخوردهای انجام شده با روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس و فعالان دانشجویی گفت: این موارد تسریع‌کننده

علائم آغازین فضای سیاسی جناح مقابل است. چرا که آنها به دنبال پیاده کردن الگوی توسعه چینی مبتنی بر فضای سیاسی بسته و فضای اجتماعی نسبتاً یاز هستند. آرمین در تبیین این استراتژی توضیح می‌دهد که ساختار سیاسی یکدست و یکپارچه، خواهان آزادیهای اجتماعی محدود در سطح جامعه است. او با بیان این که احزاب مهم کشور و مجلس نمی‌توانند آرا و عقاید خود را بیان کنند یادآور می‌شود که پس از انتخابات و با بسته شدن سایت و روزنامه وابسته به جبهه مشارکت با درخواست سازمان مجاهدین انقلاب برای صدور مجوز نشریه نیز مخالفت شد.

آرمین در پیش گرفتن الگوی چینی از سوی محافظه‌کاران را یک استراتژی شکست‌خورده ارزیابی می‌کند و دلیل آن را اینگونه بیان می‌کند که محافظه‌کاران از بوروکراسی سالم و پاک به لحاظ

تاجرنیا: با آرزو نمی‌توان کشور را اداره کرد

مالی برخوردار نیستند و همین امر توجیه اجرای الگوی چینی را از بین می‌برد. در واقع رانت‌ها و سوءاستفاده‌ها اجازه حرکت اقتصادی شفاف و کارآمدی را نمی‌دهد.

گشایش فضا در عرصه اجتماعی هم در درجه اول سبب تخریب نیروهای محافظه‌کار و کسانی می‌شود که سال‌ها از این طریق در آنها ایجاد انگیزه کرده‌اند. علاوه بر این، بافت فکری جناح محافظه‌کار، اجازه حرکت‌های نو را نمی‌دهد.

این در حالی است که چنین تحلیل‌ها و انتقاداتی در مورد الگوی ژاپن اسلامی مطرح نشد. الگویی که در آن، همپای توسعه اقتصادی و آزادی‌های اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و برقراری دموکراسی و تأمین حقوق شهروندان نیز با اهمیت شمرده می‌شود و به جای آنکه به الگویی برگرفته از استبداد شرقی نزدیک باشد، با گفتمان لیبرالیستی جهان غرب همخوانی و همراهی نشان می‌دهد. در واقع اگر قرار بود که یک جریان سیاسی در

ایران به طرح شعار الگوی ژاپنی بپردازد این جریان هر چه بود از اردوی محافظه‌کاران جدا بود. از همین رو هیچ تحلیلی در طرح این شعار از سوی حداد عادل را جدی نگرفت. شاید تنها نقطه اشتراک شعار آبادگران با الگوی ژاپنی در همان واژه پیشرفت خلاصه می‌شد و این در حالی بود که یکی از اعضای ائتلاف آبادگران اعلام کرد که این جریان وعده تحقق ژاپن اسلامی در چهار سال آینده را نمی‌دهد چرا که دستیابی به چنین مقصودی با برنامه‌ای دست کم بیست ساله ممکن خواهد بود.

این اظهارات غلامرضا مصباحی سخنگوی جامعه روحانیت مبارز هم‌زمان با اعلام برنامه‌های آبادگران از سوی احمد توکلی در یک کنفرانس خبری مطرح شد که در آن از مردم می‌خواست انتظار معجزه از آبادگران نداشته باشند. بدین شکل آبادگران در آستانه آغاز به کار خود در پارلمان، از شعارهای کلی و نشان دادن در باغ سبز که سکه رایج روزهای تبلیغات انتخاباتی است فاصله می‌گیرند و به جای آن بر زمین واقعیت پای می‌فشارند. زمینی که

بازی در آن قواعد و مقررات سختی دارد و به هر که وعده‌ای بزرگتر داده باشد بیشتر ضربه می‌زند. شاید همین واقعیت است که آبادگران را واداشته تا

هواداران‌شان را از رویای ژاپنی شدن خارج کنند و چشمانشان را بر محدودیت‌ها و محذوریتهای جامعه ایران و جهان امروز بکشایند. این موضوع را می‌توان در لابه‌لای سخنان مرتضی نبوی عضو برجسته و قدیمی جناح محافظه‌کار نیز یافت که می‌گفت: "زیاد به شعار ژاپن اسلامی توجه نکنید." او که با یکی از روزنامه‌ها مصاحبه می‌کرد در پاسخ به سوال خبرنگار مبنی بر چگونگی شکل‌گیری ائتلاف آبادگران و اینکه کدام تحلیل جناح راست منجر به نتیجه‌گیری این موضوع شد که باید ائتلاف آبادگران برای انتخابات مجلس هفتم شکل گیرد، گفت: اول از همه اجازه می‌خواهم این نکته را توضیح دهم که ما خود را جناح منتقد دولت می‌خوانیم تا جناح محافظه‌کار یا راست یا هر اسم دیگری و این نشان‌دهنده این نکته بود که حتی مرتضی نبوی نیز از قرار گرفتن زیر عنوان محافظه‌کار یا جناح راست تبری می‌جوید.

او در تبیین این موضوع یادآور می‌شود که چون

تقسیم‌بندی جناح‌ها در کشور ما فاقد مبنای علمی و سیاسی است آنچه ما به عنوان چپ می‌خوانیم با ویژگی‌هایی که احزاب چپ دارند قابل تطبیق نیست. او ادامه می‌دهد که ما بعد از دوم خرداد ۷۶ به این نتیجه رسیدیم که باید در اردوی خودمان اصلاحاتی انجام دهیم. این اصلاحات هم از نظر فکری و نظری و هم از نظر ساختاری و رفتاری بود. در بُعد نظری نمی‌خواستیم در اصولمان تجدیدنظر کنیم به خصوص اصولی که در قانون اساسی هم آمده و به عنوان اصول لایتغیر قانون اساسی ذکر شده‌اند بلکه اصلاحات موردنظرمان را متمرکز کردیم بر فهم بهتر همان اصول و رسیدن به مفهوم رقیق‌تر از همان اصول که با فطرت انسانها سازگار است. مثلاً سختگیری‌های بی‌منطق دینی که با آن رو به رو بوده و هستیم. یعنی سختگیری‌هایی که در جامعه وجود دارد بخشی از آن ناشی از برداشت غلط و فهم ناقص از اصول بوده است. در بعد ساختاری هم معتقد بودیم که ساختار تشکیلاتی مان باید متحول شود. به دلیل اینکه احساس کردیم نسل جدیدی به جامعه پا گذاشته که این نسل جدید، خواهان چهره‌هایی جدیدتر است. پس تصمیم بر این شد که نیروهای تازه نفس و چهره‌های جدید را وارد صحنه کنیم. از نظر رفتاری هم سعی کردیم در رفتارهایی که موجب فاصله افتادن ما و مردم شده است تجدیدنظر کنیم بر همین اساس بود که دور جدیدی از فعالیت‌هایمان را آغاز کردیم.

مرتضی نبوی در ادامه می‌گوید: ما در اندیشه‌ها و افکارمان تجدیدنظر کردیم اما در اصولمان قائل به تجدیدنظر نبودیم بلکه سعی کردیم با تلاش بیشتر، این اصول بهتر فهمیده شوند و برداشت از آنها دقیق‌تر باشد.

وی با اشاره به قسمتی از «نامه‌ای برای فردای رئیس‌جمهور که در قسمتی از آن عنوان شده بود از شعار «ذوب در ولایت» تا شعار «آبادانی» فاصله زیادی طی شده، گفت: مساله ذوب در ولایت حرف ما نیست. ممکن است در طیف افرادی که در جناح ما هستند یک نفر حرفی زده باشد. بحث ذوب در ولایت حرفی نیست که مربوط به جریان و جناح ما باشد. ما خودمان را در این حد نمی‌بینیم که بگوییم ذوب در ولایت شده‌ایم اما به عنوان یک اصل غیرقابل

تجدیدنظر اصل ولایت فقیه را قبول داریم. پس باز هم تأکید می‌کنم که ذوب در ولایت حرف ما نیست.

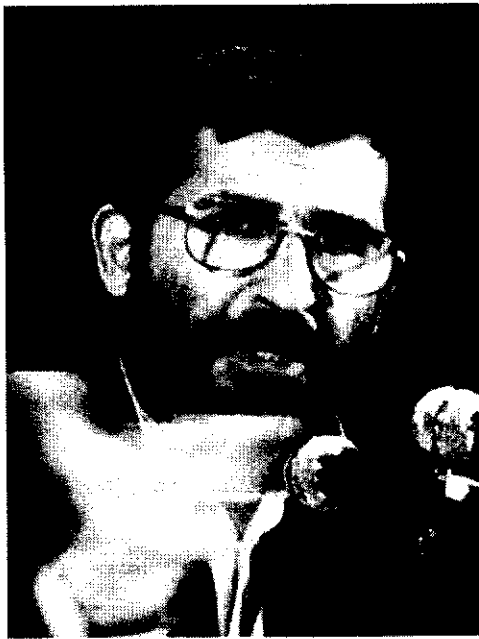
نبوی معتقد به بالا بودن سطح رقابت در انتخابات شوراهای شهر و روستا و مجلس هفتم است و در این رابطه می‌گوید ما هر جا که سطح رقابت بالا باشد حتی اگر مشارکت مردم در سطح پایین قرار داشته باشد می‌توانیم از مشروعیت آن نهاد دفاع کنیم. وی در ادامه می‌گوید آرزو داشتیم که شورای نگهبان دخالت نمی‌کرد و بررسی صلاحیت‌ها دست مجلس بود تا همان رقابتی که در شوراها شکل گرفته، به وجود می‌آمد تا دوستان اصلاح طلب می‌دیدند تجربه شوراها یکبار دیگر تکرار می‌شود.

او معتقد است مردمی که در انتخابات شوراها از اصلاح‌طلبان و ملی‌گراهای نهضت آزادی روگردان شدند در این یکساله که اتفاق خاصی نیفتاده که این رویگردانی جبران شود از جمله تحصنی که در مجلس ششم راه انداختند و فکر می‌کردند که بازتاب اجتماعی دارد و جریانی راه می‌افتد که دیدیم عملاً هیچ تأثیری نداشت.

نبوی هنگامی که با این سؤال مواجه می‌شود که شما هفت سال بر روی مسائل معیشتی مردم تبلیغ

جناح محافظه‌کار مخالف بکار بردن این واژه توسط جناح مقابل برای آنهاست

کرده‌اید اکنون چه پاسخی برای آن خواهید داشت و آیا شما هم موافق سودای ژاپن اسلامی هستید، گفت: به ژاپن اسلامی زیاد توجه نکنید. یک نفر یک حرفی زده ما بحثمان چیز دیگری است. ما در بحث توسعه و پیشرفت معتقد به توسعه تک‌بعدی نیستیم. یعنی نه از توسعه اقتصادی صرف که الگوی توسعه آقای هاشمی رفسنجانی بود دفاع می‌کنیم و نه از توسعه همه‌جانبه که برنامه آقای خاتمی بود. بلکه ما از توسعه همه‌جانبه با تأکید بر غلبه فرهنگ بومی دفاع می‌کنیم. یکی از مشکلات ما و کوتاهی‌ای که همواره از سوی جریان روشنفکری از زمان مشروطه وجود



داشته عدم ارائه یک الگوی توسعه بومی بوده است. پس الگوی ما توسعه همه‌جانبه سیاسی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. این مسائل به نوعی در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله متجلی شده و اهداف سیاست خارجی، داخلی، فرهنگی و اقتصادی ما را روشن کرده و هدف ما نیز رسیدن به آن است.

این اظهارنظر در مورد ژاپن اسلامی نشان‌دهنده آن است که در میان طیف‌های مختلف جناح پیروز مجلس هفتم هنوز توافق کامل و جامعی در مورد برنامه‌ها و اهداف مورد پیگیری این گروه در مجلس و راهکارهای عملی رسیدن به آن وجود ندارد در حالی که برخی بزرگان جناح محافظه‌کار معتقدند که نیابستی زیاد به شعار ژاپن اسلامی توجه کرد، گوینده این سخن یعنی حداد عادل بر مسند ریاست مجلس تکیه زده است و باید منتظر ماند و دید آیا ایشان به عنوان رئیس قوه قانونگذاری، پیگیر شعار تحقق ژاپن اسلامی خواهد بود یا با توجه به گفته‌های دیگر بزرگان آن جناح، این مهم تنها در حد شعار باقی مانده و محافظه‌کاران پیگیر الگوی توسعه چینی خواهند بود.

آیا ژاپن اسلامی حداد عادل نیز به سرنوشت جامعه مدنی خاتمی و تمدن بزرگ محمدرضا پهلوی دچار شده و فقط در حد شعار باقی خواهد ماند یا این که گام‌های اساسی جهت تحقق آن برداشته خواهد شد؟ گذشت زمان پاسخ این سئوال را خواهد داد.